



۲۰۲۱/۰۱/۳۱

عبدالصیر کاکر

صلح آرزوی همگانی ماست؛ ولی چطور و چگونه؟

اگر در مورد جنگ بیشتر از چهار دهه بحث و تبادل نظر داشته باشیم، عوامل، اسباب و عوارض جانبی این جنگ تباه کن به ساعت ها، هفته ها و ماه ها مناظره، مباحثه و مناقشه را در بر میگیرد و هیچ یک طرف درگیر در جنگ ها ملامتی خودش را قبول نخواهند کرد.

همان طوریکه جنگ فراز ها، نشیب ها و نابسامانی ها را در قبال داشته، صلح با وجودیکه کلمه و شعار مقدس است و در قرآن از آن به عنوان خیر صحبت شده است و ما را توصیه کرده است که اگر جناح برای صلح شما را دعوت و صدا میکند؛ پس شما برایش لبیک بگوئید و میلان پیدا کنید.

طوریکه شما آگاهی دارید، که فصول و باب های از تاریخ مانند پدیده های دیگر از زندگی در یک انتروال زمانی ماضی، حال و مستقبل گره و عقد بسته است؛ پس جنگ، جدال و ناهنجاری های کشور ما سابقه بیشتر از چهار دهه را با خود دارد و اگر آغاز این انتروال را از ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و یا کودتای منحوس ۷ ثور ۱۳۵۷ آغاز کنیم؛ همه واقعات پی در پی بوده و عاملین آن از آدرس قوت های بیرونی مستقیم و یا غیر مستقیم تمویل، تجهیز و حمایت شده اند.

طوریکه موقعیت جیو پولتیک افغانستان ویران را مشاهده داریم و افغانستان در جایگاه قرار داشته و دارد که همه کشور های نفوذی و استخبارات جهان و منطقه برای منافع خویش و رقابت های منطقی در این جغرافیه سرمایه گذاری کردند.

اگر از دیدگاه کوچکتر مشاهده و ترصد بکنیم در اینجا تنها بحث پاکستان و ایران مطرح نیست و جا دارد که از منافع استخباراتی و نفوذی ترکیه، هندوستان، عربستان، بعضی از کشور های اروپایی در حلقه ناتو، و قدرت های بزرگ چون امریکا، روسیه و چین و حتی جمهوریت های آسیای میانه هر یک برای منافع استخباراتی خود سرمایه گذاری کردند. افراد و گروه ها را تمویل و حمایت کردند و مانند همان ظرف بدون سر پوش هر آنکس، هر چه توان داشته از موقع و فرصت خودش استفاده نموده است.

حکومت و نظام های بیشتر از چهار دهه خونین نیز مردمی نبوده و به نحوی در هر مقطع زمانی از آدرس و منابع بیرونی انتصاب و تمویل شدند، به این مفهوم که بعد از سقوط دهه دموکراسی و همکاری اتحاد جماهیر شوروی وقت با جمهوریت سردار محمد داود، دیکته شده و در عدم منابع اقتصادی و خود کفائی این کشور، جریان ها، سازمان ها، گروه ها و حکومت های بوجود آمده؛ بیشتر روی کمک ها و منابع بیرونی فعالیت داشتند.

حال از مدت ها بدینسو بحث و جلسه های از صلح در دوحه قطر ادامه دارد، اداره متقاعد ایالات متحده امریکا تحت

ریاست رئیس جمهور داندل ترمپ با آنها توافق نامه را امضا کرده است، با وجود مشکلات جلسات های پیهم میان تیم مذاکرات کننده ارگ و گروه طالبان با مصارف هنگفت مالی ادامه دارد .

در اینجا نمیخواهم بیشتر در مورد میکانیزم، کویف و ترکیب از هیئت صلح صحبت داشته باشیم ؛ ولی چرا این مذاکرات به میعاد بیشتر و جلسات پیهم تا هنوز هم، کلیدی برای منازعات نداشته است؟

آیا صلح بعد از جنگ چهار دهه در يك هفته، يك ماه و شش ماه بالاخره کلید همه مشکلات خواهد بود ؟ نخیر !
طوریکه در فوق تذکر دادیم که در اینجا منافع کشور ها و استخبارات منطقه و جهان نهفته است و هر يك برای نفوذ خویش ترس و هراس دارد و به شکل گروهی و انفرادی در بین توده ها نفوذ کرده اند .

شما بخاطر دارید که سه سال قبل زمانیکه، گلبدین حکمتیار بعد از گفتگوی پیهم هیئت مذاکره کننده که مخالفین ایشان و حزب اسلامی هر عنوان برایش انتخاب کردند ؛ ولی بیشتر از دو سال را در بر گرفت تا اینکه هیئت مذاکره کننده صلح به ریاست انجنیر محمد امین کریم با تیم همراه خویش سفر ها و جلسات پیهم داشتند، تا اینکه حلقهات بیرونی جهان و منطقه و حلقهات داخل در نظام که با آمدن و حضور ایشان مخالفت جدی داشتند، رضایت و توافق حاصل کنند، تا اینکه ایشان ظاهراً با مسئولین ارگ ولی با همه مخالفین این حزب در حلقهات بین المللی و منطقه صلح و آشتی داشته باشند .
حتی چندین مراتبه گلبدین حکمتیار به این موضوع اشاره داشت که چنین کاری از حیطة و صلاحیت کاری رئیس جمهور غنی خارج بوده، که چنین حرف ها حساسیت های خودش را داشته است که نمیخواهم در اینجا در مورد این موضوع تفصیل بیشتر داشته باشیم .

حال این صلح نیز زمانگیر بوده، روی همین اصل زلمی خلیل زاد به کشور های تاثیر گزار منطقه سفر های پیهم داشته است، تا اینکه رضایت و قناعت همه جناح ها و طرف های ذیدخل و عمال نفوذی آنها حاصل گردد که روزی پاکستان از هندوستان، ترکیه از ایران، ایران از عربستان، امریکا از روسیه و چین، چین از نفوذ امریکا و روسیه و بالاخره عکس موضوع از یکدیگر ترس و هراس نداشته در منطقه باشند .

در اخیر فقط میخواهم اضافه کنم که فرجام و پایان هر جنگ و جدال تباه کن، صلح و تامین عدالت بوده، ولی نه به این زودی و ما نباید در هر موردی نا امید شویم، از جنگ همه خسته شده اند. ملت، رعیت و حتی آنهائیکه نفوذ و منافع شان با جنگ و تمویل جنگ نهفته است . فقط یگانه راه کلیدی آن، همین است که افغان ها روی يك محور ملی در پرتو قرآن و اسلام جمع شوند و منافع بیرونی ها را برای مسائل ملی کشور خویش ترجیح ندهند، در این صلح تعادل و توازن میان همسایه ها و عمال نفوذی آنها، کشور های جهان و منطقه و حتی استخبارات این کشور ها در نظر گرفته شود، تا اینکه برای همه خاطر جمعی داده شود، تا لطفاً در همین جغرافیای فعلی ما را اجازه داده تا نفس آرام سیاسی و حیاتی داشته باشیم، ما در مسائل داخلی هیچ کشور و هیچ جغرافیای تشبث و مداخله نداریم، فقط در محدوده افغانستان فعلی صلح، ثبات، تامین امنیت و عدالت میخواهیم و کسی هم این خواب و خیال و آرمان را نداشته باشد که در این کشور، يك گروه و يك قوم و يك تبار به تنهایی حکومت و زمام داری خواهند داشت که همه این، محال و رویا خواهد بود و بس !؟



برای مطالب دیگر عبدالصیر کاکر، بر روی عکس کلیک کنید